



علامه جعفری فیلسوف آینده است

عبدالله نصری، شاگرد علامه جعفری و استاد دانشگاه علامه طباطبایی با بیان اینکه علامه جعفری صاحب ابتکار فراوان در فلسفه و عرفان و حوزه‌های دیگر علمی است، گفت: علامه جعفری فیلسوفی مستقل و مربوط به آینده است.

عبدالله نصری، شاگرد علامه جعفری و استاد دانشگاه علامه طباطبایی با بیان اینکه علامه جعفری صاحب ابتکار فراوان در فلسفه و عرفان و حوزه‌های دیگر علمی است، گفت: علامه جعفری فیلسوفی مستقل و مربوط به آینده است.

عبدالله نصریه گزارش اینکنا، عبدالله نصری، استاد دانشگاه علامه طباطبایی و از شاگردان علامه جعفری، ۲۰ آبان در مراسم بزرگداشت علمی و معنوی علامه جعفری، گفت: در عصر حاضر فیلسوفان بزرگی داریم؛ علامه طباطبایی را می‌توان یکی از این بزرگان دانست که حدود ۲۰۰ کتاب و رساله و چند هزار مقاله در باب آراء و اندیشه و شخصیت ایشان نوشته شده است.

وی افزود: البته کتاب جامعی که بتوان نظام جامع فکری ایشان را تبیین کنیم نداریم. همچنین علامه جعفری یکی دیگر از این فلاسفه بزرگ در جامعه ما محسوب می‌شوند. البته کسانی مانند رفیعی قزوینی و سیدجلال الدین آشتیانی و... میرزامهدی آشتیانی که استاد علامه جعفری و مرحوم شهید مطهری بودند هم از شخصیت‌های فلسفی معاصر محسوب می‌شوند.

نصری با بیان اینکه از شخصیت‌های جدید فلسفی با عنوان فیلسوفان نوصدرایی یاد می‌شود، افزود: البته برخی از این افراد صرفاً شارح آراء ملاصدرا نبودند بلکه خودشان صاحب آراء و نظریات مستقلی هستند البته شارح بودن ملاصدرا هم رتبه کمی نیست و متأسفانه کمتر آثاری به فلاسفه جدید پرداخته‌اند.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی با بیان اینکه اصول فلسفه و روش رئالیسم نقطه عطف در تاریخ فلسفه ما محسوب می‌شود، گفت: علامه بحث را در این اثر از معرفت‌شناسی شروع کرده که در غرب به خصوص از دوره کانت به بعد از اهمیت زیادی برخوردار است ولی فلاسفه ما آثار پراکنده در باب معرفت‌شناسی دارند و باب مستقل همانطور که در مورد فعلیت و قوه دارند نداشته‌اند، در حالی که معرفت‌شناسی اهمیت فوق‌العاده دارد. در جلد دوم این کتاب دو مقاله بسیار مهم است و عمدتاً در مقاله ششم هم بر ادراکات اعتباری تأکید دارد.

وی اضافه کرد: شخصیت‌هایی چون علامه طباطبایی فقط تکرارکننده سخنان ملاصدرا نیست بلکه مطالب جدیدی افزوده است از جمله مباحث انضمامی وارد فلسفه شد؛ مرحوم شهید مطهری وقتی زن در اسلام را نوشت مبانی حقوقی و فلسفی مرتبط با مباحث زنان را بحث کردند و همینطور در باب حقوق بشر و فلسفه سیاسی هم نیازمند این کار هستیم. طرح مباحث جدید فلسفی از سوی علامه جعفری

نصری با بیان اینکه فلاسفه ای چون علامه طباطبایی با اینکه مباحث جدید مطرح کرد ولی فضای کلی و کانتکس آنها مبانی صدرایی بود، تصریح کرد: با ظهور علامه جعفری چرخشی آغاز می‌شود، یعنی اگر مبنای فلسفه صدرای، اصالت وجود است علامه جعفری با مباحث انسان‌شناسی شروع می‌کند و به تعبیر دقیق‌تر مبنای فکری علامه جعفری روی «من» است. ایشان توانسته یک سیستم فکری ارائه دهد که البته باید تبیین و تنقیح شود. علامه جعفری وارد حوزه مباحثی شده که جدید هستند و فلاسفه به آن نپرداخته‌اند؛ مثلاً بحث معنای زندگی مسئله جدیدی است.

شاگرد علامه جعفری اضافه کرد: علامه جعفری مطالبی بیان کرده است که بسیار ابتکاری و مبنایی است؛ کتاب «آری گویی به زندگی» را تالیف کرده ایم که اندیشه‌های نیچه و... و هم آراء اندیشمندان تحلیلی را بیان کرده و بحث معنای زندگی را از منظر این فیلسوف بیان کردیم که انصافاً مطالب دقیقی را طرح کرده است که دیگران بیان نکرده‌اند. اگر او در غرب زندگی کرده بود خدا می‌داند چقدر کتاب و مقاله در مورد همین دیدگاه وی در باب معنای زندگی نوشته بود ولی ما توجهی نداریم.

نصری اظهار کرد: یکی از مباحث مهم دیگر در آراء ایشان فلسفه تمدن و فرهنگ است. مطالبی از ابن خلدون در این موضوعات وجود دارد ولی بسیار کم است اما اندیشه علامه جعفری در باب تمدن و رابطه علم و دین خیلی مهم است. مسئله علم و دین در المیزان به صورت مصداقی و بر اساس اندیشه داروینیسیم و تکامل انواع مطرح شده است ولی بحث مستقلی در باب رابطه علم و دین وجود نداشت که علامه جعفری به آن پرداخته است.

وی افزود: یا بحث وجدان در بین متفکران ما مطرح نشده بود و علامه جعفری در سال ۱۳۴۴ برای اولین بار مطرح کرد و اینکه روش

وی در پرداختن به آن چیست خودش هم مهم است یعنی حتی از نظر روش فلسفی هم بررسی کتاب وجدان وی مهم است که از روش پدیدارشناسی استفاده کرده است و نه استدلال و برهانی که در منطق ارسطو وجود دارد. توجه به فلسفه موسیقی و هنر

نصری گفت: متفکران ما عمدتاً در باب فلسفه هنر و موسیقی باب مستقل و محوری قرار نداده اند و مطالب پراکنده در آثار آنها دیده می شود ولی علامه جعفری در اینجا صاحب نظر بوده و حرف های گذشتگان را تکرار نکرده است همچنین خود فلسفه مطالب قدیمی و مهمی دارد؛ مانند جبر و اختیار و علامه جعفری در اینجا هم ورود و خروج متفاوتی دارد که حتی با ابن سینا و ... هم تفاوت دارد.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی اظهار کرد: علامه جعفری با اینکه شاگرد فقه و اصول آیت الله خویی بوده باز راه استاد خود را پیش نبرده و مسائل جدیدی مطرح کرده است و وقتی آرای وی را با دیگران مقایسه کنیم به جایگاه مهم ایشان در فلسفه اسلامی پی خواهیم برد؛ در همین جبر و اختیار آرای مطرح کرده که با آرای اصولیون قابل قیاس نیست.

وی افزود: در بحث عرفان هم عرفان کنونی ما مبتنی بر ابن عربی است و ابن عربی آنقدر بر تاریخ تفکر ما غلبه دارد که عرفان خراسان تحت تاثیر اندیشه های عرفانی بوده است. اندیشمندان وقتی می خواهند مثنوی را شرح دهند گویی برای مولوی استقلالی قائل نیستند و مولوی را در کانتکس ابن عربی تفسیر می کنند. بنده با علامه جعفری همین بحث را داشتم و ایشان معتقد بود که فضای فکری مولوی با ابن عربی تفاوت دارد.

نصری بیان کرد: علامه جعفری معتقد بود که ۲۰۰ شرح بر مثنوی نوشته شده که بر اساس آراء ابن عربی است و تا کی باید این روند تداوم یابد، مولوی رومی مطالبی دارد که می توان اساس علوم انسانی باشد. حالا این دید نسبت به مولوی را با دیدگاه برخی از فقهای معاصر خودمان مقایسه کنیم. برخی از فقهای معاصر ما در چند سال قبل نسبت به برگزاری کنگره و تولید فیلمی درباره او موضع گرفتند و کسان دیگری هم هستند که به شدت با مولوی مخالفند ولی علامه جعفری ده هزار صفحه مطلب درباره او نوشته و نقد خود را هم به راحتی بیان کرده و در عین حال عظمت برای مولوی قائل است. قلم سنگین علامه جعفری در مباحث فلسفی

شاگرد علامه جعفری تصریح کرد: در مجموعه آثار ایشان در جلد اول بحث عرفان وجود دارد؛ تعریف و تقسیم بندی که ایشان از عرفان دارد کاملاً متفاوت و جدید است و وی در برابر مطالبی مانند شطحیات عرفا موضع گرفته و تحلیل خاص خود را ارائه می دهد و راه خودش را رفته است یا در مباحث معرفت شناسی، ۸۰۰ صفحه مطلب دارد. در این مباحث حتی از زوایه ای وارد شده که با مباحث معرفت شناسی علامه طباطبایی و مرحوم شهید مطهری تفاوت دارد؛ نه اینکه دیدگاه آنها را قبول ندارد بلکه از زاویه متفاوتی به این بحث نگریسته است.

وی اظهار کرد: با علامه جعفری بحث از فلسفه تاریخ می کند و نوآوری و ابتکار در این بحث هم دیده می شود یا وقتی بحث حقوق بشر مطرح است ورود و خروج وی به این مسئله روش و تحلیل خاصی دارد. مراد این است که کلی مباحث علامه جعفری مطرح کرده است که چقدر در آن ابداعات و ابتکارات وجود دارد و به ندرت می توانیم فیلسوف و متفکری بیابیم که مانند ایشان این همه ابداعات و ابتکارات وجود داشته باشد. به نظر من ایشان فیلسوف آینده است و هنوز حوزه علمیه و دانشگاه های ما به ایشان توجه لازم را نداشته اند.

نصری با بیان اینکه البته سبک و سیاق نگارش وی هم یکی از دلایل عدم برقراری ارتباط با آثار ایشان است، تصریح کرد: ایشان وقتی کتاب جبر و اختیار را منتشر کرد یک نسخه برای آقای طالقانی و نسخه ای برای مهندس بازرگان فرستاد و نظر آنان را جویا شد. هر دو پاسخ دادند که ما چیزی از این اثر نفهمیدیم و اینکه وی طرفدار جبر است یا اختیار. واقعا این کتاب، دشوار است و البته خدا توفیقی داد که این کتاب را ویراستاری مجدد انجام دهیم و جملات را مرتب و منظم کنیم تا خواننده بتواند با آن روبرو شود. هدف از تدوین و تنظیم آثار ایشان هم همین است. یعنی وقتی کسی وارد شرح نهج البلاغه ایشان می شود گویی در دریای مطلب غرق است. بنده گاهی این نکته را به وی متذکر شدم و ایشان فرمود من گاهی مطلب به ذهنم القاء می شود و باید بنویسم تا فراموش نشود و خوشبختانه برخی آثار ایشان در حال تدوین و تنظیم است مثلاً کتاب ۲۷ جلدی نهج البلاغه در ده جلد تدوین و تنظیم شده است. فیلسوف آینده

نصری بیان کرد: علامه جعفری فیلسوفی مستقل و فیلسوف آینده است. ویژگی دیگر آن این است که تنها در چارچوب فلسفه مطالعه نمی کرد و نمی اندیشید و بلکه به اندیشه های غربی هم توجه داشت در صورتی که برخی بزرگان ما به این اندیشه های توجیهی نداشتند؛ مرحوم شهید مطهری هم کسی بود که از اندیشه های غربی استفاده خوبی برد و به آن آشنا بود؛ علامه

جعفری هم از اندیشه غرب مسئله پیدا می کرد و تلاش داشت تا از منظر فلسفه اسلامی مثلا به بحث معقولاتی که کانت مطرح کرده بپردازد.